

## تحلیل تعدد قرائت‌ها از واقعه عاشورا

احمدحسین شریفی

قرائت‌ها و تلقی‌های مختلفی از چرایی و فلسفه قیام‌آب‌الله در طول تاریخ و در زمان‌ها صورت گرفته و می‌گیرد. برخی از این قرائت‌ها علیرغم ضعف‌ها و نقص‌هایی که داشتند و علیرغم نگاهی تک‌بعدی به واقعه عاشورا، صدها سال در جریان تشیع حاکمیت داشتند؛ برخی دیگر از آنها قرائت‌ها و خوانش‌هایی جدید و امروزی هستند که از سوی افراد مختلف عرضه می‌شوند: قرائت رثا و مرثیه‌ای از عاشورا؛ قرائت عرفانی از عاشورا؛ قرائت حماسی از عاشورا؛ قرائت مرگ فدی‌ه‌وار حسین؛ قرائت فراق‌فقهی و فرادینی از عاشورا؛ قرائت سکولاریستی از عاشورا؛ قرائت لیبرالیستی از عاشورا؛ قرائت فقه‌ستیزانه از عاشورا و امثال آن در این جلسه می‌خواهم به علل و عوامل اختلاف فهم‌ها و قرائت‌ها از این حادثه اشاره‌ای داشته باشم. البته برخی از این علل اختصاصی به این حادثه ندارند بلکه در مطالعه هر حادثه تاریخی امکان وقوع دارند.

### یک. ضعف روش‌شناسی مطالعات تاریخی:

روش‌های مختلفی برای فهم پدیده‌ها وجود دارد: روش عقلی و برهانی؛ روش شهودی و عرفانی؛ روش تجربی حسی؛ روش نقلی و تاریخی از مشهورترین این روش‌ها هستند؛ این روش‌ها از نظر قوت و ضعف و درجه اطمینان متفاوت‌اند؛ درجه اطمینان روش شهودی و عرفانی و روش عقلی خیلی بالا است؛ اما درجه اطمینانی که روش تاریخی به ما می‌دهد، به اندازه اطمینان حاصل از روش عقلی و شهودی و حتی روش‌های تجربی نیست. (الان با اطمینان بسیار بالایی از خسوف یا کسوفی که مثلاً در 20 سال آینده یا در یک قرن آینده رخ می‌دهد، خبر می‌دهند) نکته مهم این است که انتخاب روش مطالعه و روش تحلیل یک مسأله معین، کاری اختیاری و دلخواهی نیست؛ روش تابع مسأله است. یک مسأله تجربی را نمی‌توان با روش برهانی تحلیل کرد؛ همانطور که یک مسأله عقلی و فلسفی را نمی‌توان از راه روش تجربی حسی تحلیل کرد. مسائل تاریخی را نیز فقط می‌توان از راه روش نقلی و تاریخی تحلیل کرد. اما به دلیل:

1. اتکاء روش تاریخی بر منابع تاریخی، منابعی که بعضاً صدها و هزاران سال از تاریخ تدوین آنها می‌گذرد

2. و همچنین به دلیل بنای مورخان بر نقل اختصاری و گزینشی حوادث

3. و همچنین به دلیل عدم توانایی مورخان بر ضبط همه جوانب پدیده‌ها،

می‌توان گفت که روش‌شناسی مطالعات تاریخی، ضعیف است. برای جبران این ضعف تحلیل‌گر مسائل تاریخی باید مطالعات گسترده‌ای درباره مسائل پیرامونی یک حادثه و عوامل پیدایش و چگونگی پیدایش آن داشته باشد؛ همچنین باید اطلاعاتی دقیق و عمیق از اندیشه و زندگی شخصیت یا شخصیت‌های اصلی آن حادثه داشته باشد تا بتواند با ملاحظه همه آنها نگاهی عمیق از آن حادثه را ارائه دهد. لازم به ذکر است که در مورد حادثه عاشورا نیز تنها منبع ما نقلی و تاریخی است.

### دو. ناتوانی در فهم اسناد و مدارک تاریخی و ارتباط دست دوم با آنها:

بخشی از مدعیان روشنفکری و قرائت‌های جدید از دین و آموزه‌های دینی، و حتی برخی از گویندگان مذهبی متأسفانه توانایی بهره‌گیری از منابع اصیل و دست اول تاریخی را ندارند یا همتی برای مراجعه به آنها ندارند. مرجع و منبع تحلیل آنها گفته‌های دیگران و یا منابع دم‌دستی است که در بسیاری از موارد غیرقابل اطمینان‌اند؛ همین مسأله موجب ارائه تحلیل‌های نادرست و غیرواقعی از این حادثه شده است.

برای نمونه برخی با توسل به بعضی روایات گفته‌اند که در واقعه عاشورا دو موضع‌گیری و تحلیل متفاوت وجود داشت، به طوری که فرزندان علی علیه السلام و فرزندان معاویه، هر یک خود را سزاوار حکومت دانسته و مدعی آن بودند. در واقع این‌ها در این گفته اما حسین علیه السلام که خطاب به نیروهای ابن سعد فرمودند: «أَلَا إِنَّ الدَّعَى بِنِ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مَنَا الدَّلَّةُ: آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم»، معنی دعی را متوجه نشده‌اند.

### سه. پیشفرض‌های غلط و نادرست یا دست کم ناقص از اسلام و آموزه‌های اسلامی:

به عنوان مثال، فاضل دربندی، عزاداری بر ابی‌عبدالله را به مثابه هدف می‌دانست و از طرفی معتقد بود که هدف وسیله را توجیه می‌کند. مهم عزاداری با غم‌بارترین و حزن‌آلودترین روش است؛ اما اینکه آن روش درست است یا نادرست، اهمیتی ندارد. چون روش و راهی برای عزاداری است پس درست است: ایشان معتقد بود که هدف از خلقت، اقامه عزا برای امام حسین است: «ان الدنيا خلق لاجل اقامه عزاء الحسين فيها» (اسرار الشهادة، ص 5 و ص 115) اگر قیام حسینی با چنین نگاهی مطالعه شود معلوم است که نگاهی ناقص و بلکه نادرست و ناسازگار با فلسفه قیام است اما همه سخنان امام حسین در قالب و ساختار خاصی توجیه می‌شود.

مثال دوم: روایات متعددی درباره مقام شفاعت اهل بیت علیهم السلام و همچنین روایات فراوانی ناظر به ارزش گریه بر ابی‌عبدالله و پاداش عزای بر آن حضرت داریم. و این از باورهای مسلم شیعی و اکثریت مسلمین است که پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام دارای مقام شفاعت‌اند. اما برخی به دلیل ضعف بنیان‌های فکری و به دلیل تأثیرپذیری از باورهای مسیحی به ویژه باور به مرگ فدیوه‌وار مسیح<sup>۱</sup> نتوانسته‌اند تفسیر درستی از شفاعت اسلامی داشته باشند. و همین مسأله موجب ارائه قرائتی نادرست و صددرصد خلاف از قیام حسینی شده است. عده‌ای از نویسندگان شیعی گفته‌اند: فلسفه قیام و شهادت ابی‌عبدالله همین بوده است؛ اساساً حسین نیز برای شفاعت پیروان شهید شد. و گریه بر حسین کفاره همه گناهان و بی‌عملی‌هاست. فی‌المثل ملامهدی نراقی در کتاب محرق القلوب می‌نویسد: «امام حسین ... برای رسیدن به شفاعت کبری که مقتضی استخلاص همه محبان و موالیان باشد ... به شهادت راضی شد تا این مرتبه از برای او باشد و بدون شهادت، وصول به این مرتبه از برای او ممکن نبود، زیرا که رفع کدورت معاصی امت و شفاعت ایشان، موقوف بر خون و تألم ایشان است.»<sup>۲</sup>

میرزا محمدباقر شریف طباطبایی نیز در کتاب اسرار شهادة آل الله صلوات الله علیهم نگاشته است: «... و لکن چون [امام حسین] می‌خواست که کشته شود از برای این که مؤمنین اولین و آخرین بر او جزع کنند و گریه و زاری نمایند و تمنای این کنند که کاش با او بودند و به فوز شهادت فایز بودند تا به این واسطه، گناهان ایشان آمرزیده شود و گریه و اندوه ایشان، کفاره گناه ایشان باشد و این گریه و اندوه بدون شهادت چنین بزرگواری صورت وقوع نمی‌یافت، پس در واقع، شهادت آن بزرگوار، کفاره گناه جمیع گناهکاران است.»<sup>۳</sup>

باید توجه داشت که مقام شفاعت برای همه ائمه وجود دارد؛ و امام حسین بدون آنکه به آن شکل شهید شود، باز هم واجد چنین مقامی بود.

ثانیاً بر اساس اصول مسلم اندیشه اسلامی، هر گناهی کفاره خاص خود را دارد و کسانی که عامدانه تکالیف شرعی را زیرپا بگذارند، هرگز مشمول شفاعت نمی‌شوند.

### چهار. انگیزه‌ها و اغراض مختلف:

یکی از مهم‌ترین دلایل اختلاف فهم در حادثه عاشورا، وجود انگیزه‌ها و اغراض مقدس و نامقدس گوناگون است. و اگر در مطالعه یک پدیده تاریخی اغراض شخصی و امیال و خواسته‌های فردی یا صنفی و قومی مطرح شود، احتمال دستیابی به واقعیت نزدیک به صفر خواهد بود: چون غرض آمد هنر پوشیده شد/ صد حجاب از دل به سوی دیده شد. [در چنین صورتی حتی از همان اطلاعات اندک موجود نیز، برداشت‌هایی نادرست و غیرعلمی و حتی ضداسلامی ارائه می‌دهد.

نمونه اول: فی‌المثل، اهمیت نماز از نگاه اسلام بر کسی پوشیده نیست؛ جایگاه و اهمیت نماز برای سیدالشهداء را همگان می‌دانند؛ شب عاشورا را مهلت می‌گیرد برای نماز و دعا؛ روز عاشورا بلافاصله نماز ظهر را می‌خواند و آن هم به صورت جماعت و تعدادی از یاران وفادار و سرآمدش را در همین صحنه از دست می‌دهد. سعید بن عبدالله حنفی را در این صحنه از دست می‌دهد. با همه این توصیفات، شما می‌بیند که یک کسی که سالیانی در کسوت روحانیت است و حتی ادعای اجتهاد دارد و دروس سطوح عالی حوزه‌ها را هم تدریس می‌کند، در مصاحبه‌ای درباره عاشورا و اهمیت عزاداری و ... می‌گوید: بنی‌امیه و بنی‌عباس و صدام و رضاخان و ... نتوانستند ریشه عزاداری را بزنند. پس «ما هم بیخود وارد نشویم و مردم را آزار ندهیم و اذیت نکنیم. من فیلمی دیدم خیلی تأثیرآور بود. آقای اول ظهر آمد به هیئت تعرض کرد که بیاید نماز اول وقت بخوانید؛ عیبی ندارد نماز خیلی

۱. «عیسی رنج‌ها و مرگ خود را با آزادی کامل پذیرفت، تا به نمایندگی از بشر، کفاره تمام گناهانی باشد که مردم مرتکب شده و بر اثر آن، به خدا بی‌حرمتی کرده‌اند.» (توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۸۹)

۲. مهدی نراقی، محرق القلوب، (چاپ سنگی)، ص ۴.

۳. میرزا محمدباقر شریف طباطبایی، اسرار شهادة آل الله (صلوات الله علیهم)، [بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا]، ۱۳۳ - ۱۳۴.

خوب است و نماز اول وقت هم مستحب است اما اگر کسی نخواست به این مستحب عمل کند، فسق نکرده است چون نماز تا آخر وقت رخصت دارد؛ ... خود شرع رخصت داده است؛ مواقع دیگر نماز اول وقت مطرح نیست اما به عاشورا و دستجات عزاداری و بساط امام حسین که می‌رسد نماز اول وقت مهم می‌شود؛ ... به مردم احترام بگذاریم؛ اینجا این آقا دارد عزاداری می‌کند من چرا متعرضش بشوم؟ ... این شخص عزادار قدری دیرتر نماز خواند خلاف شرع نکرده است؛ این منکر نیست که من نهی‌اش بکنم؛ ... شما همه جا این رخصت را می‌دهید اما فقط برای عزاداری امام حسین که می‌شود سخت می‌گیرید و این رخصت دیگر به کسی داده نمی‌شود. کارها را خراب نکنیم.» (سخنان آقای علوی بروجردی در تاریخ 97 / 7 / 14 چاپ شده در سایت خبرگزاری فارس نیوزدر بخش دین و اندیشه، در تاریخ 97 / 7 / 18)

نمونه دوم: [نیت مثلاً مقدس و نتیجه کاملاً نامقدس] و یا به عنوان مثال، فاضل دربندی<sup>۴</sup> تعداد کشته شدگان به دست امام حسین را پنجاه هزار، بلکه صد هزار نفر و بیشتر از آن می‌داند [اسرار الشهاده، فاضل دربندی، تهران: اعلمی، ص 418]. همچنین ابن عصفور بحرانی تعداد کشته شدگان به دست امام حسین را 330 هزار نفر و به روایتی دیگر چهار صد هزار نفر، و شمار مقتولین حضرت ابوالفضل را 25 هزار نفر دانسته است. [همان، ص 345 و ص 417] این گزاره گویان برای منطقی نشان دادن این گزاره، دچار دو گزاره دیگر شدند: یکی اینکه تعداد لشکر ابن زیاد را تا 460 هزار نفر و بلکه تا پانصد هزار نفر و بلکه تا یک میلیون و ششصد هزار نفر گفته‌اند [همان، ص 345 و ص 417-418 در نقد آن ر.ک: لؤلؤ و مرجان ... میرزا حسین نوری طبرسی، ص 160-161 و ص 184-185] و دوم اینکه چون کشته شدن این همه شخص در یک روز ممکن نیست، در توجیه آن گفته‌اند که روز عاشورا هفتاد یا 72 ساعت بود و خداوند در این روز، خورشید را در بالای زمین ثابت نگه داشت. [ر.ک: اسرار الشهاده، ص 300 و ص 417-418] گرمای درجه حرارت آن روز را 70 درجه بالاتر از حالت طبیعی دانسته است!]

نمونه سوم: برخی از مخالفان انقلاب اسلامی و ولایت فقیه به این گمان که عاشورا و محرم و صفر ابزاری در اختیار جمهوری اسلامی برای بقاء و توجیه حکمرانی فقهی خودش است تلاش می‌کنند یک قرائت فراقه‌ی و فرااسلامی از حرکت امام حسین عرضه کنند: تأکید زیادی دارند که حرکت امام حسین یک استثناء است و نه قاعده؛ به همین دلیل نباید از آن الگو گرفت؛ نباید گمان کرد که شعار «هیئات منا الذله» یک شعار همیشگی است! و با این منطق که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا به شدت مخالفند! یکی از همین مدعیان می‌گوید: «نبايد مثل شریعتی فکر کنیم که هر روز عاشورا و همه جا کربلا است. صفر و صد نینیم. هر روز صحنه جنگ و تقابل حق و باطل نیست؛ بلکه اتفاقاً زندگی انسان همیشه آمیخته‌ای از حق و باطل است. اگر کسی احساس کند که امام حسین است و طرف مقابلش شمر است دعوا شروع می‌شود. لذا کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا نادرا رخ می‌دهد. یک واقعیت‌های اسطوره شده‌ای هستند که به شکل تیپ‌های ایده‌الی خود را نشان می‌دهند. نباید اینها را به تمام قامت در زندگی خودمان وارد کنیم. زندگی پیچیده‌تر از سیاه و سفید کردن‌هاست. از اینها باید بیرون بیاییم و واقع‌بینانه‌تر به واقعیت نظر کنیم.»

یکی دیگر از همین دست نویسندگان می‌گوید «حرکت امام حسین یک حرکت فراقه‌ی است نه یک تکلیف و عمل شرعی. هیچ فقه و شریعتی به شما فرمان نمی‌دهد و از شما انتظار ندارد که همه جان خود و فرزندان و خانواده‌تان را فدا کنید؛ اتفاقاً حفظ جان و مال و حفظ ناموس و حفظ آبرو و همه اینها جزء واجبات شرعی و حقوق انسانی است و شما ملزم هستید که اینها را نگه دارید و مغتنم بشمارید.»

این در حالی است که خود امام حسین به صراحت اعلام می‌کند که قیام در آن شرایط و به طور کلی قیام علیه ظلم و جور وظیفه‌ای همگانی است. هرگز اختصاصی به او نداشته است و هرگز یک وظیفه فراقه‌ی و فرادینی نیست. وقتی مروان ابن حکم در مدینه از حضرت می‌خواهد که با یزید بیعت کند، وی در پاسخ مروان می‌فرماید:

۴. فاضل دربندی (م 1286ق)، از شاگردان علی بن جعفر کاشف الغطاء و شریف العلمای مازندرانی و از مبارزان با بایت. نام کامل ملاآقا بن عابد بن رمضان علی بن زاهد شروانی معروف به آقادر بندی و فاضل دربندی صاحب کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت؛ معروف به اسرار الشهاده، درباره امام حسین؛ از نخستین کسانی بود که تیغ زدن در عزای امام حسین را جایز می‌دانست. از نجف و کربلا به تهران آمد؛ بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت. ناصرالدین شاه به دیدن او آمد. کتاب اسرار الشهاده را میرزا حسین شریعت‌مدار تبریزی (م 1331ق) به نام انوار السعاده فی اسرار الشهاده به فارسی ترجمه کرد.

فَمَثَلِي لِأَيَّامٍ لَمَثَلِهِ: «مانند من با مثل پزید بیعت نمی‌کند». آن حضرت به هنگام خروج از مکه در نامه‌ای به بنی هاشم چنین نوشت: «وَمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ»؛ «هر که به من نپیوندد، به پیروزی و رستگاری نرسیده است». و هنگامی که با سپاه هزار نفری حرّ رو در رو قرار می‌گیرد، ضمن سخنانی می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ...»<sup>۷</sup> ای مردم، رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا ﷺ مخالفت ورزیده در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند، ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنخیزد، بر خدا است که او را در جایگاه (عذاب آور) آن ستمگر قرار دهد».

### پنج. تک‌بعدی و تک‌منبعی بودن تحلیل گر:

حوادث بزرگ و حادثه‌ای مثل عاشورا و قیام حسینی، دارای ابعاد و لایه‌های پیدا و پنهان زیادی است. نگاهی همه‌جانبه‌نگر می‌خواهد تا بتواند تصویری واقع‌بینانه از آن ارائه دهد. مع الاسف بسیاری از تحلیل‌گران این حادثه چنین نگاه جامع‌نگری نداشته‌اند. بعضاً همه چیز را از منظر اقتصاد و کنش‌های اقتصادی دیده‌اند؛ بعضی به دلیل نگاه جامعه‌شناختی ناقصی که داشته‌اند، همه حادثه را به مسائل قبیله‌ای و نزاع و رقابت میان بنی‌امیه و بنی‌هاشم تقلیل داده‌اند. بعضی به دلیل تخصصی که در مطالعات سیاسی و روابط سیاسی و مناسبات قدرت داشته‌اند، این حادثه را نیز فقط از همین دریچه دیده‌اند. برخی به دلیل نگاه عرفانی و صوفیانه‌ای که داشته‌اند، فقط لایه‌های عارفانه آن را برجسته کرده و دیده‌اند.

نمونه اول: قرائت عارفانه و صوفیانه: مولوی (604-672ق)، به تبع استادش شمس تبریزی به دلیل همان نگاه تک‌بعدی، چنین قرائتی داشتند و قرائت‌ها و فهم‌های دیگر را بر نمی‌تافتند. در مقالات شمس «شمس خجندی بر خاندان پیامبر می‌گریست و ما بر وی گریستیم، یکی به خدا پیوست، بر وی می‌گرید!» [مقالات شمس، ص 271] مولوی نیز در دفتر ششم، داستان ورود یک غریبه شاعر را در روز عاشورا به حلب سوریه که از قدیم شیعه نشین بود، نقل می‌کند. [مولوی در قونیه بوده که نزدیک حلب است و خودش هم چند سالی در حلب بوده است و عزاداری‌های شیعیان را از نزدیک دیده است.] مردم حلب صبح تا غروب عاشورا را در بیرون شهر برای ابی‌عبدالله عزاداری می‌کردند وارد شد و بعد از گفتگویی با آنان وقتی متوجه شد که علت عزاداری‌شان چیست، خطاب به آنها گفت:

پس عزا بر خود کنید ای خفتگان / زان که بدمرگیست این خواب گران  
روح سلطانی زندانی بجست / جامه چون دریم و چون خاییم دست  
چون که ایشان، خسرو دین بوده‌اند / وقت شادی شد، چو بگسستند بند

این نگاه نیز هر چند به نوبه خود درست است و بسیار ارزشمند اما تک‌بعدی است؛ نمی‌توان با تمسک به چنین قرائت و نگاهی ابعاد دیگر قیام حسینی را نادیده گرفت. کدام شیعه است که به این دلیل بر امام حسین می‌گرید که «چرا جان او از زندان دنیا نجات یافته است و به فیض عظمای شهادت نائل آمده است؟!» مگر دلیل گریه فقط همین است؟! آیا گریه عاشقانه نداریم؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»

### شش. بزرگی حادثه و عظمت آن

یکی دیگر از عوامل اختلاف در فهم و خوانش‌های متنوعی که از این حادثه صورت گرفته است، بزرگی خود حادثه و عظمت آن است. اساساً فهم حوادث بزرگ، یا درک رفتار شخصیت‌های بزرگ، و روح‌های عالی، کار هر کسی نیست. حتی شخصیتی مثل موسی، به تصریح قرآن کریم، به رفتارهای حضرت خضر، ایراد می‌گیرد.

۵. ابن‌اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۱۴؛ خوارزمی، مقتل الحسين ﷺ، ج ۱، ص ۱۸۴.  
۶. ابن‌قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۵۷؛ سید ابن طاووس، الملهوف علی قتلی الطوف، ص ۱۲۱ (پاورقی)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۸۱، ج ۴۴، ص ۳۳۰ و ج ۴۵، ص ۸۵.  
۷. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۰۳. صورت کامل این سخنان امام، به زودی در صفحات آینده خواهد آمد. ابن‌اعثم و خوارزمی این خطبه را با اندکی تفاوت در عبارات، در قالب نامه‌ای که حضرت خطاب به اشراف و بزرگان کوفه نوشته‌اند، آورده‌اند: ابن‌اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۸۲ - ۸۱؛ خوارزمی، مقتل الحسين ﷺ، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲ - ۳۸۱. ممکن است حضرت، این پیام را در موارد متعدد و در قالب‌های مختلف، مطرح می‌کرده است.

ایراد او از آن دریچه‌ای که نگاه می‌کرد درست بود و یک وظیفه شرعی؛ اما دریچه نگاه او دریچه‌ای تنگ بود؛ همه ابعاد رفتارهای خضر را نمی‌توانست فهم کند. الان هم شاهد ارائه تفسیرهای مختلف و حتی متضاد از علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی و دلایل پیروزی آن هستیم. یکی از دلایل این اختلافات، بزرگی و عظمت حادثه‌ای است که رخ داده است. ذهن‌های کوچک و جزئی‌نگر توانایی درک این حقیقت را ندارند. انقلاب ما که اولاً پرتویی از انقلاب عاشورا بود، و ثانیاً زمان زیادی هم از آن گذشته است و همه اسناد و مدارک و فیلم‌ها و تصاویر آن نیز از گوشه و کنار کشور در اختیار هست؛ با چالش قرائت‌های مختلف مواجهه شده است. هر چند بسیاری از آنها غرض‌ورزانه و از روی حب و بغض است اما یکی از علل و عوامل این اختلافات بزرگی حادثه است. هر کسی چشم عقاب ندارد که همه ابعاد مسأله را بسنجد و ببیند. حال مقایسه کنید با حادثه عاشورا که قرن‌ها از آن می‌گذرد و بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به آن نیز در اختیار نیست.

ابتدا باید یک تصویر هوایی دقیق از حادثه در اختیار داشت به گونه‌ای که همه ابعاد و زوایای آن را دید و سپس به تحلیل پرداخت.

حسین وارث پیامبران است [زیارت وارث]، حسین خون خدا است [ثار الله]، و فلسفه قیامش را خودش به زیبایی بیان کرده است: اقامه دین در همه ابعاد و لایه‌های آن.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ<sup>8</sup> وَلَا التَّمَاسِيًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنُرِيَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمِنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ فَإِنْ لَمْ تَنْصُرْنَا وَ تَنْصِفْنَا قَوِيَ الظُّلْمَةُ عَلَيْنَا وَ عَمِلُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكَ وَ حَسَبْنَا اللَّهَ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أُنَبْنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ.<sup>9</sup>

<sup>8</sup> (3). التنافس في السلطنة: الرغبة فيها على وجه المفاخرة و المباراة.

<sup>9</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، 1 جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، 1404 / 1363 ق.